

تحلیل ژئوپلیتیکی لزوم تغییرات جمعیتی و سیاست‌گذاری آمایشی

در عرصه توزیع جغرافیایی آن در ایران

زهرا پیشگاهی فرد^۱، کیومرث یزدان‌پناه^۲، محمدرضا رضوانی^۳، مصطفی رشیدی^{۴*}

۱. استاد گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

۲. استادیار گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

۳. استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

۴. دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۱/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۲/۱۸)

چکیده

ایران از نظر ژئوپلیتیکی، برای دستیابی به وزن ژئوپلیتیکی بالا در سطح منطقه و جهان، و رفع تهدیدات پیرامونی، باید جمعیت خود را افزایش دهد. وسعت سرزمینی ایران به اندازه‌ای است که می‌تواند پذیرای جمعیتی بیشتر از جمعیت کنونی باشد. ایران هم‌اکنون با تراکم جمعیتی ۴۶ نفر در هر کیلومتر مربع در رتبه ۱۶۲ جهان قرار دارد. اما علاوه بر تعداد جمعیت، کیفیت و کارایی جمعیت نیز برای پیشرفت و افزایش وزن ژئوپلیتیکی لازم است. از این رو، در این پژوهش سعی شده ضمن تبیین ژئوپلیتیکی لزوم تغییرات افزایشی جمعیت در ایران، شاخص‌های بهینه‌سازی این تغییرات و سیاست‌گذاری برای هدایت آن در قالب برنامه‌های آمایش سرزمین بررسی شود. سؤال‌های پژوهش چنین طرح شده‌اند: از منظر آمایش سرزمین چه شاخص‌هایی در برنامه افزایش جمعیت اولویت دارد؟ و چه مناطق و استان‌هایی برای پذیرش جمعیت بیشتر وضعیت بهتری دارند؟ هدف کلی این مقاله بررسی شاخص‌های مهم آمایش سرزمین در سیاست افزایش جمعیت و سپس اولویت‌بندی استان‌های کشور بر اساس این شاخص‌ها برای افزایش جمعیت است. این مقاله به شیوه‌ای تحلیلی-توصیفی نگاشته شده است.

کلیدواژگان

آمایش سرزمین، ایران، تغییرات جمعیتی، توزیع جغرافیایی، ژئوپلیتیک.

بیان مسئله

عواملی مانند جمعیت، موقعیت، وسعت، خاک قابل کشت، آب و هوا و غیره از عناصر اصلی تشکیل دهنده وزن ژئوپلیتیکی یک کشور است. کشوری شرایط و لوازم پیشرفت، ترقی و صعود به رده‌های بالای ژئوپلیتیکی منطقه خود و جهان را دارد که شرایط ژئوپلیتیکی مناسبی داشته باشد. ایران نیز لوازم ژئوپلیتیکی برای افزایش وزن ژئوپلیتیکی خود را دارد، از جمله وسعت زیاد، موقعیت بی نظیر ژئوپلیتیکی، منابع سرشار انرژی، نیروی کار ماهر و در حال توسعه، آب و هوای متنوع و غیره. اما ایران از نظر جمعیتی هنوز فاصله زیادی تا جمعیت مورد نیاز برای یک کشور قدرتمند را دارد و به گفته برخی کارشناسان و مسئولان، این جمعیت می‌تواند تا دو برابر جمعیت فعلی افزایش یابد. در حالی که طی سال‌های اخیر نه فقط سیاست حداکثرسازی جمعیت دنبال نشده است، بلکه روند نزولی رشد جمعیت و تهدید خطر پیری جمعیت، جامعه و کشور ایران را تهدید می‌کند. در پی کاهش سریع رشد جمعیت در کشور، عده‌ای از مسئولان و کارشناسان جمعیت، درباره این روند تهدیدکننده هشدار دادند. مهم‌ترین هشدار مقام معظم رهبری بود. در این راستا، دولت سیاست‌هایی را برای تشویق افزایش جمعیت تدوین کرده است. از آنجا که مسئله رشد جمعیت مسئله‌ای ساختاری است، به تدریج و همراه با تغییرات در ساختار اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه، امکان تغییر سطح باروری به وجود می‌آید، بنابراین، امکان افزایش جمعیت صرفاً با بسته‌های تشویقی، بدون ایجاد تغییرات ساختاری وجود ندارد. در صورت افزایش جمعیت نیز، روند کنونی مدیریت جغرافیایی و فضایی کشور نگران‌کننده به نظر می‌رسد. رشد لجام‌گسیخته شهرهای بزرگ، مهاجرت گسترده از مناطق روستایی و مرزی و شهرهای کوچک و تمرکز سرمایه‌گذاری‌ها در برخی استان‌های کشور که به افزایش مهاجرت منجر می‌شود، بی‌توجهی به امنیت ملی که زاینده تفکرات و برنامه‌های جغرافیایی است و بی‌توجهی به آمایش علمی سرزمین و در نظر گرفتن مناطق دارای پتانسیل برای سرمایه‌گذاری و افزایش جمعیت و مسائلی از این دست، تهدیداتی جدی را برای آینده کشور در پی خواهد داشت. از این رو، در این مقاله سعی شده مؤلفه جغرافیایی سیاست افزایش جمعیت بررسی شود و شیوه درست

سیاست‌گذاری برای تغییرات جمعیتی تبیین شود. بنابراین، این دو سؤال مطرح شده است که از نظر آمایش سرزمین چه شاخص‌هایی در برنامه افزایش جمعیت اولویت دارد؟ و چه مناطق و استان‌هایی برای پذیرش جمعیت بیشتر وضعیت بهتری دارند؟ هدف کلی این مقاله بررسی شاخص‌های مهم آمایش سرزمین به عنوان ژنوم‌های سرزمینی در سیاست افزایش جمعیت، و سپس اولویت‌بندی استان‌های کشور براساس این شاخص‌ها برای افزایش جمعیت است.

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر هدف، کاربردی و به روش توصیفی - تحلیلی است. روش گردآوری اطلاعات مطالعات کتابخانه‌ای و براساس اطلاعات آماری دوره ۱۳۹۰-۱۳۸۵ (در دو سالنامه آماری ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰، سالنامه آماری کشاورزی، سالنامه آماری آب و هواشناسی، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن و برخی دیگر از نتایج تفصیلی مربوط به سرشماری‌های کشور به دست آمده است) و منابع معتبر دیگر انجام گرفته است. همچنین، برای تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده روش‌های تحلیل عاملی، تحلیل خوشه‌ای، آزمون همبستگی پیرسون و آزمون همگونی کای دو به کار گرفته شده است. روش این تحقیق مبتنی بر تحلیل مجموعه‌ای از شاخص‌ها برای ارزیابی تفاوت استان‌های کشور، از نظر سطح توسعه‌یافتگی در هشت زمینه تراکم جمعیت، توسعه کشاورزی، امنیت، تجارت، ارتباطات و گردشگری، صنایع و معادن، آب و انرژی، آب و هوا و مخاطرات طبیعی است، بنابراین، در گام نخست، شاخص‌های تحقیق با توجه به دارابودن ارتباط با موضوع تحقیق، مطابقت با اهداف و سؤال‌های تحقیق، قابلیت کمی‌سازی و عملیاتی‌شدن، استقلال شاخص‌ها و ناهمپوشانی آن‌ها و قابلیت دسترسی آسان به جدیدترین اطلاعات برای تمامی استان‌های کشور انتخاب شدند، بر این اساس، ۷۶ شاخص و در ۸ مؤلفه طراحی شد (جدول ۱). شایان ذکر است مؤلفه‌های ارتباطات، تجارت، گردشگری خارجی و امنیت به دلیل نبودن آمار دقیق به طور توصیفی بررسی شده‌اند.

مبانی نظری تحقیق

جغرافیا و آمایش سرزمین

آمایش سرزمین را نخستین بار کلودیوس پتی، وزیر بازسازی و مسکن فرانسه در دهه ۱۹۲۰ ابداع کرد، اما به سرعت در فرایند توسعه، مقبولیت عام یافت به طوری که امروزه وظیفه تفکر ساماندهی فضایی یا طراحی و ساختاریابی سرزمین هر کشور بر عهده برنامه‌ریزان ملی است (رهنما و آقاجانی، ۱۳۹۰، ص ۱۷-۱۸). رابطه آمایش سرزمین و جغرافیا بیان‌های مختلفی دارد. بر این اساس، می‌توان «جغرافیا» را تبیین نوع استقرار و توزیع جمعیت و فعالیت در عرصه سرزمین دانست و «آمایش» را تنظیم رابطه این عناصر در نظر گرفت. در جغرافیا و آمایش سرزمین، سه عنصر اساسی وجود دارد که زمینه‌های اصلی مطالعه‌اند و عبارت‌اند از انسان، فضا و فعالیت. به هر حال، موضوع انکارناپذیر، رابطه بسیار نزدیک و تنگاتنگ «جغرافیا» و «آمایش سرزمین» است. به تعبیری می‌توان گفت «جغرافیا»، آمایشی‌ترین علوم و «آمایش سرزمین»، جغرافیایی‌ترین نوع برنامه‌ریزی است. آنچه «جغرافیا» به عنوان یک علم آن را توضیح می‌دهد، «آمایش» به عنوان مجموعه‌ای از فنون و هنرها می‌کوشد آن را عملی کند. «جغرافیا» توضیح می‌دهد و «آمایش» تغییر. «جغرافیا» تبیین می‌کند و «آمایش» طراحی (سرور، ۱۳۸۴، ص ۳۲). هدف از تنظیم رابطه بین انسان و فضا در مطالعات آمایشی و فعالیت‌های انسان در فضا، تحقق توسعه پایدار یا به عبارت دیگر، سرزمین‌آرایی است. در واقع، اساس کار جغرافیای کاربردی، تحقق این هدف است (سرور، ۱۳۸۴، ص ۳۶). علم جغرافیا اساس کار آمایش سرزمین است. همان‌طور که جغرافیا روابط انسان و فضا و تعاملات بین آن‌ها شناسایی می‌کند، آمایش سرزمین نیز در پی اصلاح این روابط و تعاملات بین انسان و فضای جغرافیایی آن است. در واقع، آمایش سرزمین یک جنبش جغرافیایی در جهان مدرن برای اصلاح روابط انسان و فضای جغرافیایی است. در دوران نوزایی (رنسانس) که بهره‌کشی از محیط با هر شرایطی در محوریت برنامه‌های توسعه بشری قرار گرفته بود، تفکر آمایش سرزمین واکنشی علمی و عملی برضد این رویه طبیعت‌ستیزانه بود. در سایه این رویکرد نوین بشری، توجه به عدالت جغرافیایی بین انسان و فضا و نیز انسان‌ها با یکدیگر و تعادل بین

فضاهای محلی، منطقه‌ای و ملی در محوریت آمایش سرزمین قرار گرفت. آثار مثبت آمایش سرزمین سبب حمایت و حفاظت از فضاهای جغرافیایی می‌شود که این امر به توسعه پایدار جامعه بشری نیز منجر می‌شود. در واقع، هدف جغرافیا و آمایش سرزمین یکی است اما در اثر اوج‌گیری علوم مهندسی و کمی که سبب به حاشیه‌رفتن علوم انسانی، و از جمله جغرافیای انسانی شده بود، آمایش سرزمین به نحوی یک نوزایی و رنسانس و به عبارتی، بیداری جغرافیایی در بین اندیشمندان و سیاست‌مداران در دوران مدرن بود.

ژنوم‌های ژئوپلیتیکی و لزوم آمایش سرزمین

براساس تفکر عمومی ژئوپلیتیسین‌ها، «کد ژئوپلیتیک عبارت است از دستور کار عملیاتی سیاست خارجی یک کشور که در ماورای مرزهای خود، مکان‌های جغرافیایی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. کد ژئوپلیتیک، نتیجه استدلال ژئوپلیتیک عملیاتی است که شامل مجموعه‌ای از پیش‌فرض‌های سیاسی - جغرافیایی مربوط به زیرساخت سیاست خارجی یک کشور است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵). کدهای ژئوپلیتیک هر کشور اختصاصی است و کشورها سعی می‌کنند برای رسیدن به هدف‌های خود بر کدهای ژئوپلیتیک دیگران تأثیر گذارند (خلیلی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۴۱)». همچنین، از نظر عمومی، «ژنوم ژئوپلیتیک^۱، نقشه جغرافیایی ژنتیک سیاست در یک کشور است که تأثیری زیادی در شکل‌دادن به رفتارهای نظام سیاسی در نظام بین‌الملل دارد. همان‌گونه که انسان‌ها بنابر نقشه ژنتیک خود عمل می‌کنند، کشورها را نیز کدهای ژنتیک راهبری می‌کند (خلیلی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۱). از این دیدگاه، کد ژئوپلیتیک همان ژنوم‌های ژئوپلیتیک موجود در کشور رقیب یا کشور هدف است. ژنوم ژئوپلیتیک همان واقعیت‌های جغرافیایی موجود در محدوده مرزهای سیاسی کشور خودی است. کد ژئوپلیتیک در حوزه مطالعاتی مباحث مربوط به ژئوپلیتیک است. ژنوم ژئوپلیتیک در حوزه مطالعاتی مباحث در ارتباط با جغرافیای سیاسی است (خلیلی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۴۱)». اما آنچه مدنظر این پژوهش است، این است که همان‌طور که هر ژن در بدن انسان یک

کد ویژه دارد که آن را ژنوم می‌نامند، در ساختار ژئوپلیتیکی یک کشور که شامل ساختار معنایی، ساختار مادی و منافع آن کشور در فضای سرزمینی ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی است، نیز کدهای حیاتی فرصت‌ساز (مثبت) و چالش‌ساز (منفی) وجود دارد که مجموع آن‌ها نقشه ژنتیک ژئوپلیتیکی کشور را ایجاد می‌کند. بنابراین، ایده دیگران که کدهای ژئوپلیتیکی را محدود به کشورهای بیرون و ژنوم‌ها را مربوط به فضای داخلی کشور می‌دانند، محل تردید است. زیرا این تصور از باور به تفاوت مقیاسی بین جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک نشأت می‌گیرد. در حالی که مقیاس ملی و بین‌المللی نمی‌تواند هویت علم و دانش باشد. بلکه هویت علوم براساس موضوعاتی مانند جامعه، سیاست، اقتصاد، فضا و مکان، سیاست و فضا و غیره است که بررسی می‌شوند. علم جغرافیا رابطه متقابل انسان و فضای جغرافیایی و تعاملات بین آن‌ها بررسی می‌کند و ژئوپلیتیک نیز رابطه متقابل سیاست و فضای جغرافیایی را بررسی و شناسایی و درک می‌کند. سیاست یک تدبیر، خط‌مشی و راهبرد، یا تکنیک یا تاکتیک (با توجه به مقیاس زمانی - مکانی، هدف و غیره) انسانی است. این تعریف ژئوپلیتیک را به سرچشمه اولیه خود، یعنی جغرافیا بازمی‌گرداند. مدیریت فضاها و ژئوپلیتیکی نیز نوعی سیاست‌ورزی ژئوپلیتیکی است و این تعریف‌های محدود به مقیاس ملی یا بین‌المللی نیست و از رابطه بین فرد و فضای جغرافیایی و سیاست‌ورزی انسان در مقیاس فردی تا سطوح جهانی ادامه می‌یابد.

بر این اساس، کدهای ژئوپلیتیکی معادل همان ژنوم‌ها یا کدهای ژنتیکی در نقشه ژئوپلیتیکی اند، که می‌توان آن را نقشه ژنتیکی در ژئوپلیتیک نیز قلمداد کرد. نظام ژئوپلیتیک جهانی، منطقه‌ای و ملی و محلی، هر یک پیکرواره‌ای ژنتیک و منطقی‌اند که اجزای فرماندار و فرمانبردار، کدهای ژنتیک سرزمینی و فضایی مثبت و منفی، اختلال‌ها و ناهنجاری‌ها و غیره دارد. بنابراین، در این مقاله نقشه ژنتیک ژئوپلیتیکی، معادل نقشه‌ای مفهومی از ژنوم‌های مثبت و منفی است که باید نخبگان حکومتی آن را ترسیم کنند و بر اساس آن، در فضای سرزمینی ملی و فراملی سیاست‌گذاری کنند. این نقشه ژنتیک ژئوپلیتیکی باید به کمک ابزارهای تحلیلی و نمایشی جغرافیایی مانند نمودارها، جداول، مدل‌های مفهومی و نقشه‌های موضوعی و تحلیلی و غیره انجام

گیرد و در اختیار کارگزاران و دستگاه‌های دولتی و حکومتی قرار گیرد. در این بین، آمایش سرزمین گامی علمی و منطقی براساس توان‌های اکولوژیک و اقتضائات ژئوپلیتیکی یک کشور است، که با طراحی نقشه جامع ژئوپلیتیکی از فضای سرزمینی و توان‌های اکولوژیک و انسانی آن در جهت رفع تهدیدات ژئوپلیتیکی، تقویت کدهای ژئوپلیتیکی مثبت و خنثی‌سازی و کاهش تهدیدات کدهای ژئوپلیتیکی منفی است. بدون شناخت جامع از کدهای ژئوپلیتیکی مثبت و منفی، و تجزیه و تحلیل و الویت‌بندی آن‌ها نمی‌توان آمایش سرزمین کرد. آمایش سرزمین یک برنامه‌ریزی جغرافیایی است که هدف آن ایجاد رفاه برای مردم یک سرزمین و توسعه مناطق جغرافیایی آن است که با انطباق برنامه‌ریزی‌ها با توان اکولوژیک و اقتضائات ژئوپلیتیکی در فضای سرزمینی به توسعه پایدار، تأمین منافع ملی و رفع تهدیدات ژئوپلیتیکی ناشی از کدهای ژئوپلیتیکی منفی و کنارگذاشتن برنامه‌ریزی غیرمنطبق بر سرزمین، و در نتیجه، ایجاد امنیت پایدار در یک کشور منجر می‌شود. بنابراین، در این مقاله ابتدا عنصر جمعیت و افزایش آن، به عنوان یک ژنوم ژئوپلیتیکی برای ایران در نظر گرفته شده است و با برشمردن برخی عناصر، درباره لزوم تغییرات افزایشی آن بحث شده است. در ادامه، نحوه پراکنش جمعیت براساس منطق جغرافیایی و آمایشی و جلوگیری از بحران‌سازی ناشی از افزایش جمعیت و نیز هدایت سرریز جمعیتی کنونی که سبب تمرکزگرایی شده است به کمک شاخص‌هایی تحلیل شده است که هر یک از این شاخص‌ها در صورت توجه، نقش ژنوم‌های مثبت و فرصت‌ساز را خواهند داشت و در صورت بی‌توجهی به شکل منفی نقش‌آفرینی خواهند کرد. در این مقاله، که بخشی از رساله دکتری است سعی شده تا به بخشی از نقشه ژنتیک ژئوپلیتیکی پرداخته شود و ژنوم ژئوپلیتیکی جمعیت و تغییرات کمی و مکانی آن بررسی شود. این ژنوم ژئوپلیتیکی در رابطه با ژنوم‌های دیگری که در این مقاله به عنوان شاخص در نظر گرفته شده‌اند، کنترل، هدایت و سازماندهی جغرافیایی می‌شود.

جایگاه ژئوپلیتیکی ایران و لزوم افزایش جمعیت

منطقه خاورمیانه به‌تنهایی ۵۴/۴ درصد از ذخایر اثبات‌شده نفت دنیا و ۴/۶ درصد از ذخایر اثبات‌شده گاز دنیا را در اختیار دارد. اما با در نظر گرفتن این واقعیت که تا سال ۲۰۲۰ تقاضای

جهانی انرژی تقریباً ۵۰ درصد افزایش می‌یابد، خلیج فارس باید تولیدات نفت خویش را به حدود ۸۰ درصد برساند (Umbach, 2000, p.112). این واقعیت بیانگر اهمیت بیش از حد کشورهای حوزه خلیج فارس در مبادلات انرژی است. در صورت ایجاد مشکل در این منطقه و تأخیر در استخراج و صادرات انرژی نفت و گاز، جهان با بحران بزرگی مواجه خواهد شد. زیرا همان‌طور که اشاره شد، برخلاف رشد انرژی‌های غیرفسیلی، هنوز نفت و گاز نبض حیاتی جهان را در دست دارد. بنابراین، پیدایش مشکل در مسیر صادرات این نوع انرژی مساوی با ظهور بحرانی عظیم در جهان است. یکی از کشورهای مهم و ژئواستراتژیک در خاورمیانه ایران است. با توجه به انرژی نفت و گاز، کشور ایران با دارا بودن ذخایر عظیم نفت (رتبه سوم جهان) و گاز (رتبه دوم جهان) جایگاه مهم ژئوپلیتیکی دارد (BP, 2011). اما با توجه به امتیازات ویژه ایران نسبت به کشورهای دیگر دارای منابع نفت و گاز، این کشور در مبادلات انرژی اهمیت بیشتری دارد. ایران در کنار منابع انرژی خود با ویژگی‌های حدواسط بودن بین کشورهای تولیدکننده و بازار مصرف و نیز حالت مرکزی نسبت به منطقه انرژی جهان (Weitz, 2007, p.139) که ایران را به لولای جغرافیایی و راهبردی خاورمیانه تبدیل کرده است و نیز، توانایی کنترل و تهدید بازار جهانی انرژی در جایگاه ویژه‌ای قرار دارد. این جایگاه ویژه با استقرار شیعیان در مناطق انرژی خاورمیانه (توال، ۱۳۸۲، ص ۱۷۳-۱۷۲) و امکان هدایت آن‌ها توسط ایران برای ایجاد توازن در منطقه با قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بیشتر تقویت می‌شود. در صورت برنامه‌ریزی ایران برای رقابت با کشورهای عربی نفت‌خیز و مقابله با تحریم‌های غرب، این کشور می‌تواند با فعال کردن پتانسیل‌های خود در روند ژئوپلیتیک تأمین انرژی، برای کشورهای مصرف‌کننده غربی مشکلات جدی ایجاد کند و مبادلات انرژی را دچار آشفتگی کند. از این رو، ایران هم‌کشور بزرگ تولیدکننده انرژی است و هم بیشتر از کشورهای دیگر تولیدکننده می‌تواند بر بازار و مبادلات انرژی تأثیر گذارد. بنابراین، در جمع عوامل ژئوپلیتیکی ذخایر نفت و گاز، حدواسط بودن ایران، توانایی کنترل بر منابع انرژی و استقرار دامنه‌های ایدئولوژیکی ایران در مناطق راهبردی انرژی، این کشور می‌تواند از نظر ژئوپلیتیکی در مبادلات انرژی بالاترین اهمیت راهبردی را نسبت به

کشورهای دیگر دارنده ذخایر نفت و گاز داشته باشد. به دلیل اهمیت ویژه ژئوپلیتیکی ایران و نیز شیعیان و اسلام، برای غربی‌ها ضروری است شاخص‌های قدرت به مرکزیت ایران را در منطقه تضعیف کند. یکی از شاخص‌های اصلی قدرت ژئوپلیتیکی هر کشور جمعیت آن است که نیروی انسانی آن را تأمین می‌کند. این عنصر در کشورهایی که قابلیت‌های بالایی برای رشد و توسعه در جهان دارند، بسیار اهمیت دارد. کشورهایی مانند چین، ایالات متحده آمریکا، ژاپن، آلمان و نیز کشورهای در حال توسعه مانند هندوستان جمعیت زیادی دارند. جمعیت کم یکی از موانع اصلی تبدیل یک کشور به قدرت منطقه‌ای و جهانی است. از این رو، در سیاست‌های غربی‌ها کنترل جمعیت در مناطقی مانند آسیا و آمریکای لاتین اهمیت ویژه‌ای دارد. به‌ویژه کشوری مانند ایران در جمع بین عناصر ژئوپلیتیکی مانند قدرت ژئوآکونومیک، موقعیت، جغرافیای امنیتی و ژئوکالچر به هارتلند ژئوپلیتیکی جهان مبدل شده است و در کنار بسترهای مادی ژئوپلیتیکی، افق و آرمان‌های معنایی مانند صدور انقلاب اسلامی - شیعی دارد و در محوریت کمربند مقاومت قرار گرفته است، این امر سبب شکل‌گیری انگاره ایران محوری در اذهان ایرانیان در سطوح مختلف شده است و نوعی خواست ضمنی را برای مبدل‌شدن به یک قدرت جهانی در بین شهروندان ایرانی شکل داده است (رشیدی و همکاران، ۱۳۹۲). شایان ذکر است برخلاف موقعیت مناسب ژئوپلیتیکی ایرانی‌ها و شیعیان در جهان اسلام، جمعیت ایرانی تبار و دامنه جغرافیایی آن در مقایسه با اعراب، ترک‌ها و ملل دیگر رقیب، و نیز جمعیت تشیع در مقایسه با اهل تسنن و ایدئولوژی‌های رقیب به شکل قابل توجهی کم است و این نیز یکی از ضعف‌های ژئوپلیتیکی برای تحقق قدرت جهانی ایران است.

آگاهی از مسائل ناشی از افزایش جمعیت در حال و آینده، و اجرای برنامه‌های تنظیم خانواده قبل از آن که در کشورهای در حال توسعه مطرح شود، حول دو مسئله تکامل یافت که یکی جنبه ژئوپلیتیک، و دیگری جنبه انسان‌دوستانه و رفاه انسان‌ها را داشت. درباره جنبه اول باید گفت، از دهه چهل میلادی به بعد خطر افزایش جمعیت در دو منطقه راهبردی جهان یعنی آمریکای لاتین و آسیا توسط طرف‌های پیروز جنگ دوم احساس می‌شد. افزایش جمعیت در این دو منطقه، عاملی بود که ثبات سیاسی یا به اصطلاح خود آن‌ها، صلح جهانی را تهدید می‌کرد. ترس و نگرانی از

چنین پدیده‌ای در کتاب «ویلیام وگت» با عنوان *جاده بقا*^۱، آشکارا دیده می‌شود. مسئله دیگر، جنبه انسانی داشت و هدف آن تأمین رفاه جمعیت از طریق برنامه‌های تنظیم خانواده بود که به عنوان حقی انسانی، ارزش جهانی یافت. محققان آمریکایی که به مسائل بین‌المللی علاقه‌مند بودند، به این جنبه توجه کردند و اعلام کردند افزایش جمعیت در کشورهای در حال توسعه، نه فقط موقعیت سیاسی برتر آمریکا را به خطر می‌اندازد، بلکه مانع اصلی در راه توسعه جهانی است. شایان ذکر است در آمریکا حمایت از طرح‌های جهانی به شکلی است که اگر اصل و اساس یک سیاست خارجی جنبه انسانی و نوع‌دوستانه داشته باشد، اگر توجیه اقتصادی و سیاسی نداشته باشد، هرگز مورد توجه و حمایت دولت و کنگره آمریکا قرار نخواهد گرفت (شستلند و شنه، ۱۳۷۸). در واقع، آمریکایی‌ها راغب‌ترند و سایل پیش‌گیری را، که رقم آن از حد ۲ میلیارد دلار تجاوز می‌کند، بفروشد تا از رفاه جوامع و لحاظ کردن جنبه انسانی. به هر حال، واقعیت‌های تاریخی نشان می‌دهند اساس و بنیاد شکل‌گیری برنامه‌های تنظیم خانواده که همواره مورد توجه و حمایت سازمان ملل و قدرت‌های بزرگ جهان از جمله آمریکا بوده است، از نوعی سلطه‌طلبی و برتری‌طلبی قدرت‌های بزرگ جهانی آغاز، و با گذشت زمان رنگ و لعاب کمک‌های بشردوستانه و رفاهی و توسعه‌ای به خود گرفته است. در سمت‌دهی نامرئی تحولات جمعیتی جوامع در حال توسعه، به‌ویژه ایران، در جهت تأمین منافع قدرت‌های بزرگ جهان همین بس که اخیراً برژینسکی سیاستمدار کهنه‌کار و مشاور امنیت ملی سابق آمریکا بیان کرده است که «از فکر کردن به حمله پیشدستانه علیه تأسیسات هسته‌ای ایران اجتناب کنید و گفت‌وگوها با تهران را حفظ کنید، بالاتر از همه، بازی طولانی‌مدتی را انجام دهید، چون زمان، آمارهای جمعیتی و تغییر نسل در ایران به نفع رژیم کنونی نیست» (خبرگزاری فارس، ۱۳۸۸/۱۲/۱۵، خبر شماره ۸۸۱۲۵۰۲۲۶). در قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در زمینه خطوط کلی سیاست تحدید موالید کشور در بخش جمعیت چنین آمده است: «بر مبنای بررسی‌های به عمل آمده، اعمال

1. Road to Survival

سیاست تعدیل مولید از ۶٫۴ مولود زنده به دنیا آمده در طی دوران بالقوه باروری یک زن (سال ۱۳۶۵) به ۴ نوزاد در سال ۱۳۹۰ و کاهش نرخ رشد طبیعی جمعیت از ۳٫۲ به ۲٫۳ درصد در همین مدت، با توجه به ساختمان فعلی بسیار جوان جمعیت و ویژگی‌های زیستی و فرهنگی جامعه امکان‌پذیر خواهد بود. از این رو، کاهش باروری عمومی زنان تا حد ۴ نوزاد و نرخ رشد طبیعی ۲٫۳ درصد در سال ۱۳۹۰، مهم‌ترین هدف‌های درازمدت سیاست تحدید مولید کشور خواهد بود و متناسب با این هدف‌ها، کاهش نرخ رشد طبیعی جمعیت به ۲٫۹ درصد در انتهای این برنامه و ابتدای برنامه توسعه بعدی، از طریق اثرگذاری آگاهانه و برنامه‌ریزی شده بر متغیر باروری به عنوان عمده‌ترین هدف جمعیتی این برنامه در نظر گرفته شده است» (قانون برنامه اول توسعه، مجمع تشخیص مصلحت نظام). نتایج سرشماری سال ۱۳۸۵ نشان می‌دهد روند تحولات جمعیتی کشور با آنچه در قانون توسعه آمده است، انحراف چشم‌گیر داشته است. همان‌طور که بیان شد، براساس سرشماری سال ۱۳۸۵، رشد جمعیتی کشور ۱٫۶۲ و میزان باروری کل کشور ۱٫۸ اعلام شده است. این انحرافات از قانون برنامه توسعه ضرورت تجدید نظر در سیاست‌های جمعیتی را بیشتر می‌کند.

جدول ۱. جمعیت و متوسط رشد سالانه

سال	جمعیت	متوسط رشد سالانه (درصد)
آبان ۱۳۳۵	۱۸۹۵۴۷۰۴	-
آبان ۱۳۴۵	۲۵۷۸۸۷۲۲	۳٫۱
آبان ۱۳۵۵	۳۳۷۰۸۷۴۴	۲٫۷
مهر ۱۳۶۵	۴۹۴۴۵۰۱۰	۳٫۹
مهر ۱۳۷۰	۵۵۸۳۷۱۶۳	۲٫۵
آبان ۱۳۷۵	۶۰۰۵۵۴۸۸	۱٫۵
آبان ۱۳۸۵	۷۰۴۹۵۷۸۲	۱٫۶
آبان ۱۳۹۰	۷۵۱۴۹۶۶۹	۱٫۳

منبع: اداره کل آمار عمومی، مرکز آمار ایران (ر.ب)؛ مرکز آمار ایران، دفتر جمعیت نیروی کار و سرشماری

براساس وضعیت ژئوپلیتیکی کشور ایران و اهمیت عنصر جمعیت در وزن ژئوپلیتیکی هر کشور، و مسیر توسعه و ترقی آن و نیز با توجه به سیر جمعیتی نگران‌کننده کنونی، توجه به سیاست تغییرات جمعیتی و در پیش گرفتن برنامه‌های مبتنی بر افزایش جمعیت ضروری است.

شاخص‌های آمایش سرزمین در برنامه افزایش جمعیت در ایران

در این بخش نگارندگان شاخص‌های آمایش سرزمین را بیان می‌کنند و در ادامه، پس از تحلیل هر یک از این شاخص‌ها، جمع‌بندی کلی درباره نحوه هدایت تغییرات جمعیتی در کالبد فضایی کشور رسیده‌اند. این شاخص‌ها، به مثابه ژئوم‌های اصلی سرزمینی در فضای ملی کشورند که توجه به آن‌ها سبب تقویت جایگاه ژئوپلیتیکی کشور، و بی‌توجه به آن‌ها سبب وقوع بحران‌های ژئوپلیتیکی و تقلیل جایگاه ژئوپلیتیکی کشور در منطقه و جهان خواهد شد.

جدول ۲. شاخص‌های بررسی و تحلیل توان‌های استان‌ها در سیاست افزایش جمعیت

مؤلفه	شاخص‌ها
شاخص تراکم جمعیت	تعداد جمعیت، تعداد خانوار، بعد (تعداد اعضای) خانوار، سطح سواد، نسبت جنسیتی جمعیت، تراکم نسبی جمعیت، متوسط رشد سالانه جمعیت در دوره ۸۵-۹۰، نسبت شهرنشینی در استان، نسبت روستانشینی در استان، سهم مهاجرتی استان‌ها، نسبت بزرگسالان به کل کشور، نسبت جمعیت فعال.
۱۲	
شاخص آب و هوا	تعداد ایستگاه‌های هواشناسی، متوسط دمای هوا، متوسط بارندگی، مقدار رطوبت نسبی، متوسط درجه حرارت، ارتفاع از سطح دریا، تعداد روزهای یخبندان، تعداد روزهای آفتابی
۸	
شاخص منابع آب و انرژی	وسعت استان، وسعت اراضی زراعی، وسعت جنگل، وسعت مراتع، تعداد دام، تعداد چاه‌های عمیق و نیمه‌عمیق، تعداد چشمه‌ها و قنات‌ها، تعداد حوضه‌های آبخیز، سهم استان در تولید برق، طول انواع خطوط انتقال نیروی برق، سهم استان‌ها در سد، سهم استان در وسعت حوضه آبخیز.
۱۲	
شاخص کشاورزی	تولیدات محصولات غله‌ای، تولیدات محصولات باغی، زیرساخت‌های کشاورزی، نسبت سطح کشت محصولات آبی سالانه کشور، نسبت سطح کشت محصولات دیمی سالانه کشور، تعداد بهره‌برداران کشاورزی، نسبت باسواد زارعان، تعداد شاغلان کشاورزی، میزان تسهیلات نقدی و غیرنقدی اعطایی دولت به کشاورزان.
۹	
شاخص مخاطرات طبیعی	زیربنای واحد مسکونی، تعداد واحدهای بازسازی بافت فرسوده، تعداد پروانه‌های صادرشده برای ساختمان‌های (با مصالح) مقاوم، اصلاح کاربری‌های اراضی قدیمی، سهم استان در حفاظت آبخیزداری، تعداد سیل‌های استان، تعداد زمین لرزه، سهم استان در پیشگیری از وقوع سیلاب، وسعت جنگلکاری مصنوعی در مناطق پرخطر، تثبیت شن‌های روان، مقدار خساران پرداخت‌شده از سوی بیمه به مردم سانحه‌دیده.
۱۰	
شاخص معادن و صنایع	تعداد دامداری‌های صنعتی، تعداد مرغداری‌های صنعتی، تولید شیر صنعتی، تعداد کارگاه‌های تولیدی (صنایع کوچک)، تعداد کل معادن استان، تعداد کل شاغلان معادن استان، تعداد کل شاغلان صنایع استان، تعداد جوازهای صادرشده برای ایجاد صنایع و معادن، تعداد کل کارخانه‌های صنعتی دولتی و غیردولتی، میزان سرمایه‌گذاری‌های صنعتی و معدنی در استان در دوره ۸۵-۹۰.
۱۰	
شاخص تجارت، ارتباطات و گردشگری	تعداد کاربران اینترنت، تعداد مشترکین تلفن ثابت و همراه، واحدهای مسکونی خالی، تعداد مؤسسات مرتبط با بهره‌برداری کشاورزی، تعداد تعاونی‌ها، تعداد کل واحدهای تجاری، تعداد کل واحدهای صنعتی، تعداد واحدهای صیادی، تعداد واحدهای رفاهی و تأسیسات گردشگرپذیر، تعداد واحدهای ارائه خدمات به گردشگران (خرده‌فروشی، فروش تجهیزات مورد نیاز گردشگری)، تعداد هتل‌ها، متل‌ها و مسافرخانه‌ها، تعداد جاذبه‌های گردشگری، تعداد واحدهای رستورانی و بوفه، طول خطوط و ایستگاه‌های راه‌آهن، انواع راه‌های زیر پوشش اداره کل راه و ترابری.
۱۵	

منبع: سالنامه آماری کشور ۱۳۹۰؛ سالنامه آماری کشور ۱۳۸۵؛ سالنامه آب و هواشناسی، ۱۳۸۵؛ نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن کشور

در تحقیق حاضر، به منظور تحلیل سطح توسعه‌یافتگی استان‌های کشور و دستیابی آن‌ها به میزان توان‌های مختلف از نظر شاخص‌هایی که در جدول ۳ مشخص شده‌اند، تحلیل عاملی به‌کار گرفته شد. به منظور تشخیص مناسب بودن داده‌های مربوط به مجموعه متغیرها در تحلیل سطح توسعه‌یافتگی استان‌های کشور، آزمون بارتلت و شاخص KMO به‌کار گرفته شد. معنی‌داری آزمون بارتلت در سطح اطمینان ۹۹ درصد و مقدار مناسب KMO حاکی از همبستگی و مناسبت متغیرهای مورد نظر برای انجام تحلیل عاملی است (جدول ۳).

جدول ۳. آزمون بارتلت در سطح معناداری ۹۹ درصد

مجموعه مورد تحلیل	مقدار KMO	مقدار بارتلت	سطح معنی‌داری
تحلیل سطح توسعه یافتگی استانهای	۰,۷۱۲	۴۵۱۶,۲	۰,۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق

همچنین، متغیرها با تحلیل عاملی، عامل‌سازی شده است. بدین صورت که متغیرهای بارگذاری شده در هر عامل که بالای ۰/۵ هستند یک عامل را تشکیل می‌دهند و متغیرهایی که امکان تجمع با این‌ها را ندارند عامل دیگری را تشکیل می‌دهند. نتیجه تقلیل ۷۶ متغیر در ۷ عامل بوده است در جدول ۴ بیان شده است.

جدول ۴. عامل‌بندی متغیرهای مورد مطالعه

ردیف	نام عامل	مقدار ویژه	درصد واریانس	درصد واریانس تجمعی
عامل اول	تراکم جمعیت	۱۱,۸۲	۳۲,۱۸	۳۲,۱۸
عامل دوم	کشاورزی	۵,۸۲	۱۳,۰۴	۴۵,۲۲
عامل سوم	آب و هوا	۴,۰۵	۹,۰۸	۸۵,۰۲
عامل چهارم	منابع آب و انرژی	۷,۱۲	۱۸,۲۸	۷۵,۹۴
عامل پنجم	مخاطرات طبیعی	۲,۰۲	۴,۱۸	۹۷,۴۲
عامل ششم	معادن و صنایع	۳,۰۲	۸,۲۲	۹۳,۲۴
عامل هفتم	تجارت، ارتباطات و گردشگری	۴,۷۲۷	۱۲,۴۴۰	۵۷,۶۶

منبع: یافته‌های تحقیق

عامل هشتم (امنیت) نیز به همراه عامل تجارت، ارتباطات و گردشگری خارجی نیز به صورت توصیفی بررسی شد.

تجزیه و تحلیل عامل‌ها

در ذیل متغیرهای هر عامل با توجه به بارهای عاملی مربوط به هر یک از آن‌ها، در جدولی مجزا برای هر یک از عامل‌ها بیان شده است.

عامل تراکم جمعیت

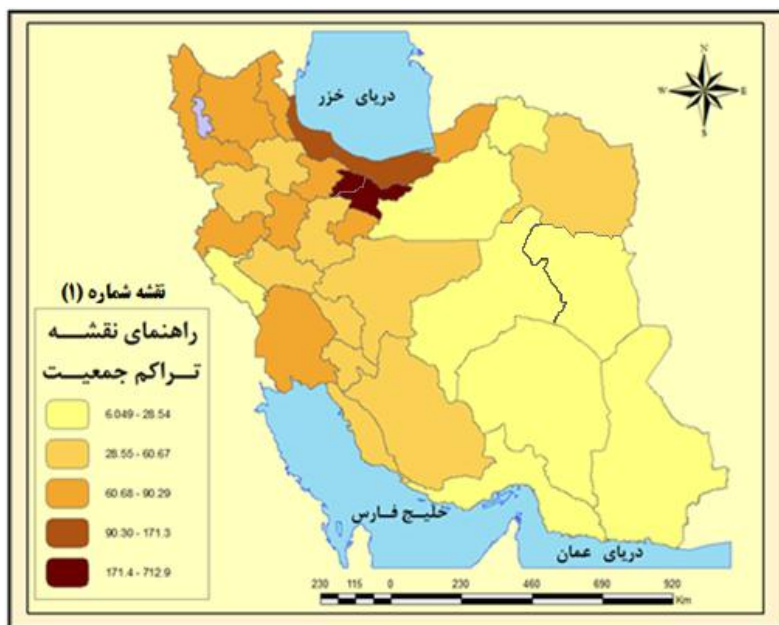
مقدار ویژه این عامل ۱۱/۸۲ است که ۳۲/۱۸ درصد واریانس را تبیین می‌کند. در این عامل ۱۰ متغیر بارگذاری شده است. از میان ۱۰ متغیر مورد بررسی در این عامل، متغیر بعد خانوار (تعداد اعضای خانوار) نسبت به کل کشور با بار عاملی ۰/۹۲۳، متغیر متوسط رشد سالانه جمعیت در دوره ۸۵-۹۰ و متغیر تراکم نسبی جمعیت به کل کشور با بار عاملی ۰/۹۱۰ بیشترین تأثیر را در تغییرات جمعیتی استان‌ها داشته است (جدول ۵).

جدول ۵. متغیرهای بارگذاری شده در عامل اول (تراکم جمعیت)

بار عاملی	متغیر	ردیف
۰/۸۹۲	تعداد کل جمعیت استان‌ها	۱
۰/۹۲۳	بعد خانوارها (تعداد اعضای خانوارها) نسبت به کل کشور	۲
۰/۷۴۶	تعداد خانوار در استان نسبت به کل کشور	۳
۰/۸۲۲	سهم مهاجرتی استان‌ها	۴
۰/۸۳۵	نسبت شهرنشینی در استان به کل کشور	۵
۰/۸۶۹	نسبت جنسیتی جمعیت	۶
۰/۹۲۶	متوسط رشد سالانه جمعیت در دوره ۸۵-۹۰	۷
۰/۷۳۰	سطح سواد استان به نسبت کل کشور	۸
۰/۷۵۱	نسبت روستانشینی در استان به کل کشور	۹
۰/۹۱۰	تراکم نسبی جمعیت	۱۰

منبع: یافته‌های تحقیق

در شکل ۱ تراکم جمعیت در استان‌های مختلف کشور نشان داده شده است. در این نقشه تراکم شدید و بحرانی جمعیت در استان تهران و نیز استان‌های گیلان و مازندران نشان داده شده است که نکته‌ای قابل توجه است.



شکل ۱. نقشه تراکم جمعیت در استان‌های کشور

عامل شاخص کشاورزی

مقدار ویژه این عامل ۵٫۸۲ است که ۱۳٫۰۴۴ درصد واریانس را تبیین می‌کند. در این عامل ۹ متغیر بارگذاری شده است. از میان ۹ متغیر مورد بررسی در این عامل، متغیر نسبت سطح کشت محصولات آبی سالانه به کل کشور با بار عاملی ۰٫۸۱۲ و متغیر نسبت تولید غلات به کل کشور با بار عاملی ۰٫۸۰۴ بر سطح توسعه کشاورزی استان‌ها بیشترین تأثیر را داشته است (جدول ۶).

جدول ۶. متغیرهای بارگذاری شده در عامل دوم (کشاورزی)

بار عاملی	متغیر	ردیف
۰,۷۱۲	نسبت زیرساخت‌های کشاورزی به کل کشور	۱
۰,۶۱۴	نسبت تولید محصولات باغی به کل کشور	۲
۰,۷۲۵	نسبت سطح کشت محصولات آبی سالانه به کل کشور	۳
۰,۷۱۹	تعداد بهره‌برداران کشاورزی به کل کشور	۴
۰,۶۰۹	تسهیلات نقدی و غیر نقدی دولت به کشاورزان	۵
۰,۸۰۴	نسبت تولید غلات به کل کشور	۶
۰,۸۱۲	نسبت سطح کشت محصولات آبی سالانه به کل کشور	۷

منبع: یافته‌های تحقیق

عامل شاخص آب و هوا

مقدار ویژه این عامل ۴,۰۵ است که ۹,۰۸ درصد واریانس را تبیین می‌کند. در این عامل ۵ متغیر بارگذاری شده است. از میان ۵ متغیر مورد بررسی در این عامل، متغیر متوسط نسبت بارندگی به کل کشور با بار عاملی ۰,۶۹۸ و متغیر متوسط دمای هوا به کل کشور با بار عاملی ۰,۶۰۱ در سطح توسعه وضعیت مناسب آب و هوایی استان‌ها بیشترین تأثیر را داشته است (جدول ۷).

جدول ۷. متغیرهای بارگذاری شده در عامل پنجم (آب و هوا)

بار عاملی	متغیر	ردیف
۰,۵۲۵	متوسط درجه حرارت استان‌ها	۱
۰,۵۰۲	مقدار رطوبت نسبی	۲
۰,۶۰۱	متوسط دمای هوا به کل کشور	۳
۰,۶۹۸	متوسط بارندگی نسبت به کل کشور	۴
۰,۵۰۸	تعداد ایستگاه‌های هواشناسی	۵

منبع: یافته‌های تحقیق

شکل ۲ آب و هوا مناطق مختلف را نشان می‌دهد که با نگاه به این نقشه‌ها مناطق مناسب‌تر از نظر آب و هوای و دمای کشور را می‌توان تشخیص داد، که بیشتر به مناطق شمالی و غربی کشور



شکل ۲. نقشه آب و هوای مناطق کشور

عامل شاخص منابع آب و انرژی

منابع آب و انرژی از مهمترین شاخص‌های توسعه هر کشور و افزایش جمعیت آن است. عنصر آب برای ایران به دلیل قرارگیری در کمربند گرم و خشک جهان و کمبود منابع آب، مهمترین عامل توسعه محسوب می‌شود.

جدول ۸. متغیرهای بارگذاری شده در عامل چهارم (منابع آب و انرژی)

بار عاملی	متغیر	ردیف
۰٫۸۲۵	وسعت جغرافیایی استان	۱
۰٫۷۹۵	وسعت جنگل استان به نسبت کل کشور	۲
۰٫۶۲۵	تعداد چاههای عمیق و نیمه عمیق استان	۳
۰٫۸۰۵	وسعت کل اراضی قابل کشت به کل کشور	۴
۰٫۶۵۴	تعداد و وسعت حوزه‌های آبخیز به کل کشور	۵
۰٫۶۲۲	طول انواع خطوط انتقال نیروی برق	۶

مقدار ویژه این عامل ۷/۱۲ است که ۱۸/۲۸ درصد واریانس را تبیین می‌کند. در این عامل، ۶ متغیر بارگذاری شده است. از میان ۶ متغیر مورد بررسی در این عامل، متغیر وسعت جغرافیایی استان با بار عاملی ۰/۸۲۵ و متغیر وسعت کل اراضی قابل کشت به کل کشور با بار عاملی ۰/۸۰۵ بیشترین تأثیر را در سطح توسعه انرژی و آب استان‌ها داشته است (جدول ۸).

شکل ۳ وضعیت آب‌های سطحی کشور را نشان می‌دهد که در این نقشه مناطق شمالی و غربی و به‌ویژه منطقه جنوب غربی کشور با تأکید بر استان خوزستان، جایگاه ویژه‌ای دارد.



شکل ۳. نقشه وضعیت آب‌های سطحی کشور

عامل شاخص مخاطرات طبیعی

مقدار ویژه این عامل ۲/۰۲ است که ۴/۱۸ درصد واریانس را تبیین می‌کند. در این عامل ۵ متغیر بارگذاری شده است. از میان ۵ متغیر مورد بررسی در این عامل، سهم استانی در پیشگیری از وقوع سیلاب با بار عاملی ۰/۴۷۲ و متغیر تعداد واحدهای بازسازی بافت فرسوده با بار عاملی ۰/۴۵۹ بیشترین تأثیر را در توسعه استان‌ها در برابر مخاطرات طبیعی داشته است (جدول ۹).

جدول ۹. متغیرهای بارگذاری‌شده در عامل هفتم (مخاطرات محیطی)

بار عاملی	متغیر	ردیف
۰,۴۵۲	تعداد پروانه‌های صادرشده برای ساختمان‌های (با مصالح) مقاوم	۱
۰,۴۵۱	تعداد مخاطرات طبیعی مانند سیل، زلزله و جز آن	۲
۰,۴۳۴	سهم استانی در حفاظت از آبخیزداری	۳
۰,۴۷۲	سهم استانی در پیشگیری از وقوع سیلاب	۴
۰,۴۵۹	تعداد واحدهای بازسازی یافت فرسوده	۵

منبع: یافته‌های تحقیق

در شکل ۴، نقشه گسل‌های کشور نشان داده شده است که منطقه البرز میانی و رشته‌کوه زاگرس از شمال غرب تا انتهای زاگرس جنوب شرقی و نیز در ادامه، رشته‌کوه‌های جنوب کرمان و سیستان و بلوچستان پتانسیل بالای زلزله‌خیزی دارند.



شکل ۴. نقشه گسل‌های کشور

عامل شاخص معادن و صنایع

مقدار ویژه این عامل ۳,۰۲ است که ۸,۲۲ درصد واریانس را تبیین می‌کند. در این عامل ۵ متغیر بارگذاری شده است. از میان ۵ متغیر مورد بررسی در این عامل، میزان سرمایه‌گذاری‌های صنعتی

و معدنی در استان در دوره ۹۰-۸۵ با بار عاملی ۰/۵۶۶ بیشترین تأثیر را در توسعه معادن و صنایع استان‌ها داشته است (جدول ۱۰).

جدول ۱۰. متغیرهای بارگذاری شده در عامل ششم (معادن و صنایع)

ردیف	متغیر	بار عاملی
۱	تعداد جوازهای صادر شده برای ایجاد صنایع و معادن به کل کشور	۰/۴۳۱
۲	میزان سرمایه‌گذاری‌های صنعتی و معدنی در استان در دوره ۹۰-۸۵	۰/۵۶۶
۳	تعداد کل کارخانه‌های صنعتی دولتی و غیردولتی	۰/۴۶۹
۴	تعداد کل معادن استان	۰/۴۸۰
۵	تعداد کل کارگاه‌های تولیدی بزرگ و کوچک	۰/۴۱۱

منبع: یافته‌های تحقیق

نقشه ۵ صنایع کشاورزی و صنایع عمومی در کشور را نشان می‌دهد که صنایع کشاورزی بیشتر منطبق بر مناطقی است که آب و خاک مناسب دارند که برای مثال، استان‌های خوزستان، گلستان، مرکزی و دشت مغان در استان اردبیل از این جمله‌اند. صنایع دیگر نیز مناطق با منابع آب یا مناطق معدنی و یا انرژی‌کامی‌افته‌اند. البته استقرار برخی از این صنایع ناشی از عدم مطالعه علمی و ناشی از تصمیم‌گیری‌های غیرکارشناسی بوده است.



شکل ۵. نقشه صنایع و معادن کشور

عامل شاخص تجارت، ارتباطات و گردشگری

۱. ملی (داخلی)

مقدار ویژه این عامل ۴,۷۲۷ است که ۱۲,۴۴۰ درصد واریانس را تبیین می‌کند. در این عامل که در ابتدا ۱۵ متغیر داشته پس از چرخش تعداد ۷ متغیر بارگذاری شده است. از میان ۷ متغیر مورد بررسی در این عامل، نسبت تعداد هتل‌ها و مسافرخانه‌ها به کل کشور با بار عاملی ۰,۶۷۲ و متغیر تعداد کل جاذبه‌های گردشگری به کل کشور با بار عاملی ۰,۶۶۵ بیشترین تأثیر را در سطح توسعه تجارت، ارتباطات و گردشگری استان‌ها داشته است (جدول ۱۱).

جدول ۱۱. متغیرهای بارگذاری شده در عامل سوم (تجارت، ارتباطات و گردشگری)

بار عاملی	متغیر	ردیف
۰,۶۱۲	تعداد کل واحدهای تجاری استان‌ها	۱
۰,۶۷۲	تعداد هتل‌ها، متل‌ها و مسافرخانه‌ها	۲
۰,۶۶۵	تعداد کل جاذبه‌های گردشگری به کل کشور	۳
۰,۶۲۲	تعداد تعاونی‌های مرتبط با بهره‌برداری‌های کشاورزی	۴
۰,۶۵۵	انواع راه‌های زیر پوشش اداره کل راه و ترابری	۵
۰,۶۰۱	تعداد کاربران اینترنت به نسبت کل کشور	۶
۰,۵۰۹	تعداد مشترکین تلفن ثابت و همراه	۷

منبع: یافته‌های تحقیق

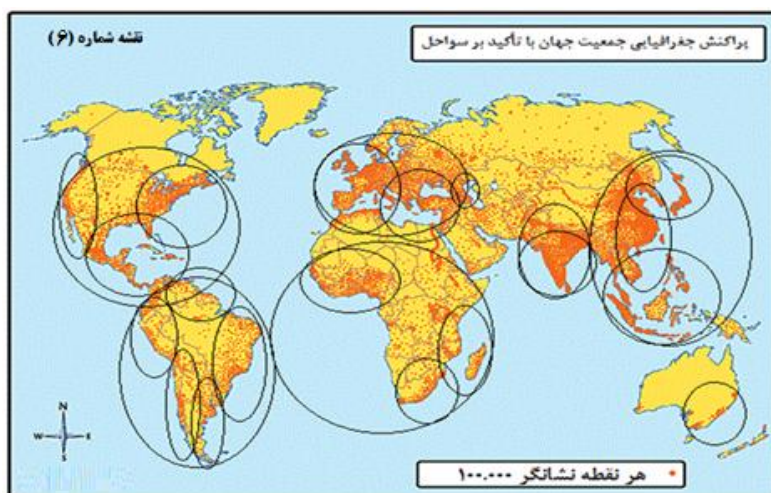
۲. بین‌المللی (خارجی)

مناطقى که در مسیر راه‌های اصلی و مسیرهای ارتباطی قرار دارند، می‌توانند نقش مهمی در تقویت ارتباطات بین‌المللی و تجارت بین‌المللی کشور بازی کنند. مناطق مرزی در قیاس با مناطق داخلی کشور پتانسیل بیشتری در ارتباطات و تجارت، و گاه گردشگری دارند. برای مثال، مناطق آزاد، بازارچه‌های مرزی که در مرزهای شمالی، غربی، جنوبی و تا حدودی شرق کشور وجود دارند. سواحل جنوبی کشور از این نظر نقش مهمی را می‌توانند ایفا کنند. به‌ویژه که این مناطق می‌توانند حداقل در ماه‌هایی از سال زمینه را برای گردشگران داخلی و خارجی نیز فراهم کنند. مناطق ساحلی جهان از نظر ارتباطات، تجارت و گردشگری به‌صرفه‌ترین مناطق جهان‌اند. سواحل، از

آغاز تاریخ بشریت کانون و بستر تمدن‌ها و به لطف حضور انسان مرکز کسب و کار بوده‌اند. حمل‌ونقل دریایی نیز از آغاز تاریخ نقش مهمی در گذران زندگی انسان داشته است و این قشر امروزه پررنگ هم شده است. مناطق ساحلی از پربارترین و پویاترین منابع اکولوژیکی و بستر فعالیت‌های عظیم اقتصادی و اجتماعی در جهان به‌شمار می‌روند. منابع ارزشمند اکولوژیکی، تنوع زیستی و ذخایر سرشار نفت و گاز و فعالیت‌های عظیم اقتصادی این مناطق را به یکی از حساس‌ترین و ارزشمندترین مناطق در جهان تبدیل کرده است. طول سواحل جهان ۱۶۳۴۷۰۰ کیلومتر است، و براساس آمار رسمی منتشرشده، جمهوری اسلامی ایران ۸۶۲۰ کیلومتر مرز آبی و خاکی دارد. ۶۳ درصد این رقم یعنی ۵۴۴۰ کیلومتر مرز خشکی است که به‌طور عمده، در شرق و غرب کشور قرار دارد و ۳۷ درصد آن یعنی ۳۱۸۰ کیلومتر مرز آبی است که ۷۴۰ کیلومتر آن در شمال و ۲۴۴۰ کیلومتر آن در جنوب کشور قرار دارد. براساس نتایج مطالعات طرح مدیریت یکپارچه مناطق سواحل کشور (ICZM)، طول خطوط ساحلی جمهوری اسلامی ایران در مقیاس ۱:۲۵۰۰۰ با احتساب جزایر و رودها ۸۹۰ کیلومتر در شمال کشور دریای مازندران و ۴۸۸۰ کیلومتر در جنوب کشور، یعنی خلیج فارس و دریای عمان است (CIA- the word fact book, 2007).

۷ استان کشور در نوار ساحلی قرار دارد که بالغ بر ۲۲٫۵٪ جمعیت کشور را در خود جای داده است. هر چند درصد کمی از این جمعیت به‌طور مستقیم در جوار دریا زندگی کرده و از آن ارتزاق می‌کنند، ولی زندگی بخش عمده‌ای از این جمعیت کم و بیش با دریا مرتبط بوده و از آن تأثیر می‌پذیرد. از ۷ استان یادشده، استان گیلان، مازندران و گلستان در شمال کشورند. میانگین تراکم نسبی جمعیت در این سه استان که در مجموع معادل ۵٫۳ است و ۷ درصد مساحت کشور را تشکیل می‌دهد و ۱۰ درصد جمعیت کشور را نیز در خود جای داده است؛ حدود ۱۲۰ نفر در کیلومتر مربع است. ۴ استان دیگر، یعنی خوزستان، بوشهر، هرمزگان و سیستان و بلوچستان هم که معادل ۲۱ درصد مساحت کشورند، ۱۲٫۵ درصد جمعیت ایران را در خود جای داد است. میانگین تراکم نسبی جمعیت در این ۴ استان هم کمتر از ۳۰ نفر در کیلومتر مربع است. در حالی که ۲۰

درصد جمعیت جهان در محدوده ۲۵ کیلومتری دریا و ۳۹ درصد جمعیت جهان در محدوده ۱۰۰ کیلومتری دریا زندگی می‌کنند و ۶۰ درصد شهرهای جهان که جمعیتی بیش از ۶ میلیون نفر دارند، در سواحل یا در نزدیکی سواحل واقع شده‌اند (شکل ۶). علاوه بر آن، براساس پیش‌بینی‌ها، تا سال ۲۰۲۰، دوسوم جمعیت جهان در محدوده‌های ساحلی سکنی خواهند داشت. از میان ۲۰ جزیره ایرانی خلیج فارس نیز ۱۱ جزیره دارای سکنه و ۹ جزیره فاقد سکنه‌اند که در این بین، کوچکترین آن‌ها جزیره فارسی، با ۲۵ کیلومتر مربع، و بزرگترین آن‌ها قشم با ۱۴۹۱ کیلومتر مربع است. جزایر ایرانی خلیج فارس ویژگی‌های متفاوتی نسبت به هم داشته و لذا جایگاه ارزشی مختلفی نیز نسبت به هم دارند. برای مثال، جزایر خارک، سیری و لاوان ارزش نفتی بالایی داشته و جزیره کیش ارزش گردشگری دارد. در حالی که جزیره قشم از نظر اقتصادی و جزایر ابوموسی، هرمز و فارسی از جنبه‌های سیاسی، امنیتی و دفاعی اهمیت دارند (مهاجر، ۱۳۸۸).



شکل ۶. نقشه پراکنش جمعیت جهان

تحلیل خوشه‌ای

در ادامه تحقیق، با به‌کارگیری روش تحلیل خوشه‌ای K، استان‌های کشور از نظر سطح توسعه و آمادگی آن‌ها برای پذیرش جمعیت بیشتر به ۳ گروه تقسیم شدند.

بر این اساس، یافته‌های تحلیل خوشه‌ای نشان می‌دهد از نظر سطح توسعه‌یافتگی ۸ استان در سطح توسعه بالا، ۹ استان در سطح توسعه متوسط و ۱۲ استان هم در سطح توسعه ضعیف قرار گرفته‌اند.

جدول ۱۲. سطح‌بندی توسعه‌یافتگی استان‌های کشور با تحلیل خوشه‌ای

سطح توسعه استانی	فراوانی	نام استان‌ها
بالا	۸	تهران* - آذربایجان شرقی - خراسان رضوی - اصفهان - فارس - مرکزی - خوزستان - مازندران*
متوسط	۹	آذربایجان غربی - اردبیل - زنجان - قم* - کردستان - کرمانشاه - گلستان - همدان - گیلان*
ضعیف	۱۲	ایلام - بوشهر** - چهارمحال و بختیاری - خراسان شمالی - خراسان جنوبی - سیستان و بلوچستان** - سمنان - قزوین - کهگیلویه و بویراحمد - لرستان - هرمزگان** - یزد
جمع	۳۰	

منبع: یافته‌های تحقیق

شاخص امنیتی

درباره شاخص امنیتی باید گفت جمعیت به دو شکل سبب تهدید امنیت می‌شوند. یکی کاهش و یا تراکم پایین جمعیت و دیگری افزایش و تراکم بیش از حد جمعیت. در کشور ایران این دو تهدید وجود دارد. در مناطقی مانند نوار مرزی و نیز جزایر حساس ژئوپلیتیکی مانند جزایر و سواحل جنوب کشور، برخلاف پتانسیل‌های بالا جمعیت اندکی وجود دارد. بالعکس، در مراکز مانند تهران و حاشیه آن شاهد یکی از بزرگترین هسته‌های جمعیتی جهان هستیم که به دلیل توان پایین محیطی و حساسیت‌های اکولوژیک و افزایش و تراکم غیرمنطقی جمعیت جامعه و کشور را با بحران‌هایی مواجه کرده است. بخشی از این بحران‌ها عبارت‌اند از:

* نکته‌ای که درباره استان تهران و استان‌هایی از کشور که مشمول دو تبصره جلوگیری از افزایش جمعیت و دیگری جلوگیری از ورود جمعیت مازاد به آن است، اهمیت دارد، جلوگیری از فشارهای وارده بر این مناطق است که از نظر توان‌های محیطی آسیب‌پذیری بالایی دارد.

** این استان‌ها به دلیل همجواری با خلیج فارس و دریای عمان، و توان جذب سرمایه‌های خارجی و توسعه تجارت و رشد اقتصاد ملی و محلی امتیاز ویژه‌ای برای سیاست‌های افزایش جمعیت و مهاجرپذیری دارد.

۱. برآورده‌نشدن نیازها: در هیچ حالتی نمی‌توان تصور کرد بشر بدون ضروریات اولیه، مانند آب یا غذا امکان ادامه حیات دهد، در حالی که تراکم جمعیت می‌تواند در فراهم کردن این ضروریات موانعی جدی ایجاد کند. در چنین وضعی، تراکم جمعیت در منطقه‌ای محدود از نظر امکانات زیستی و طبیعی، باعث برهم‌خوردن تعادل اکولوژیک منطقه می‌شود و دولت در برآورده‌ساختن ضروریات زندگی اجتماعی با مشکلاتی جدی و در برخی مواقع حل‌ناشدنی روبرو خواهد شد؛ ۲. بحران هویت: جذب جمعیت به نقطه‌ای خاص و ظهور تراکم جمعیتی در آن نقطه موجب می‌شود شهروندانی با هویت‌های گوناگون قومی، مذهبی، طایفه‌ای و منطقه‌ای در آن نقطه متراکم شده و به تدریج هویت خود را از دست بدهند. این روند (حذف تدریجی هویت‌های متعدد) به این دلیل رخ می‌دهد که تراکم جمعیت مجال ظهور و بروز را از هویت‌های گوناگون پراکنده سلب می‌کند و چون از طرح یک هویت یکسان جایگزین نیز ناتوان می‌ماند، بخش عمده جمعیت متراکم در آن نقطه دچار بحران هویت شده و این بحران هویت سرمنشأ بروز اختلال در امنیت (به‌ویژه در سطح فردی آن) می‌شود که گسترش ناامنی در آن جامعه را در پی دارد. ناامنی بیشتر به شکل ارتکاب جرایم فردی (مانند سرقت، قتل و مزاحمت‌های اجتماعی و اخلاقی) بروز می‌کند. در حالی که در مناطق کم‌تراکم مانند روستاها و شهرستان‌های کوچک، شهروندان به دلیل برخورداری از هویتی معین (هویت خانوادگی، خویشاوندی، قبیله‌ای یا طایفه‌ای) و آشنا بودن در میان جمع، کمتر مجال ارتکاب جرایم را پیدا می‌کنند، زیرا هویت آن‌ها، عاملی بازدارنده در قبال میل به ارتکاب جرایم است؛ ۳. عدم کنترل: وسایل و نهادهای کنترل‌کننده اجتماعی (نیروهای امنیتی و انتظامی و امکانات مربوطه) توان گسترش سازمان و امکانات خود، همپای با گسترش تراکم جمعیت را ندارد و بدین علت، معمولاً با عقب‌ماندن از روند تراکم جامعه قدرت کنترل آن را تا حدود زیادی از دست می‌دهند. در حالی که در یک منطقه کم‌تراکم، نیروهای کنترل‌کننده مجال دارند همگام با نیازهای امنیتی و اجتماعی جامعه رشد یابند و حافظ نظم و امنیت باشند. این عامل در کنار موانع دیگر کنترل اجتماعی در جوامع پرتراکم، مانند دشواری در رفت‌وآمد نیروهای کنترل‌کننده و حضور نیافتن به‌موقع آن‌ها در مناطق مورد نیاز (بحران‌های شهری و شورش‌های

اجتماعی و سیاسی، یا جرایم اجتماعی مانند سرقت‌های مسلحانه و مانند آن ظاهر می‌شود؛ ۴. تراکم عوامل ناامنی: تراکم جمعیت، خود باعث تراکم نقاط و مناطقی می‌شود که به‌طور بالقوه خاصیت امنیت‌زدایی دارند. مانند تراکم دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، تراکم کارخانه‌ها و مجامع کارگری، یا تراکم پادگان‌ها و نیروهای نظامی که تراکم این نقاط در یک منطقه محدود می‌تواند در پاره‌ای مواقع به‌شدت به بروز و گسترش ناامنی دامن بزند؛ ۵. تراکم مجرمان و متخلفان: هر بافت جمعیتی به‌طور طبیعی، حاوی تعدادی از عناصر محل امنیت (مانند مجرمان اجتماعی و اپوزیسیون سیاسی) است. هر چه در یک محدوده معین تراکم جمعیت افزوده شود، به‌طور طبیعی، شمار عناصر اخلاط‌گر در امنیت بالا می‌رود، که خود، عامل ایجاد ناامنی روانی در میان شهروندان جامعه پرتراکم خواهد شد (مشاهدات شهروندان از ارتکاب جرایم متعدد اجتماعی و سیاسی در یک زمان معین، امنیت ذهنی و روانی موجود در جامعه را تا حدود زیادی خدشه‌دار می‌کند؛ برفرض در شهری مانند تهران یک شهروند ممکن است در یک روز خبر وقوع قتل‌های متعددی را بشنود یا حتی ناظر وقوع آن‌ها باشد، در حالی که شهروندی که در محیط کم‌تراکم زندگی می‌کند، ممکن است در طول زندگی خود موارد بسیار معدودی از جرایم اجتماعی یا سیاسی را مشاهده کند).

علاوه بر عوامل یادشده، پدیده‌هایی مانند شیوع قاچاق و مصرف مواد مخدر در مناطق پرتراکم یا برگزاری برنامه‌هایی مانند مسابقات ورزشی با حجم بالای تماشاچی که زمینه بسیار مساعدی را برای بروز آشوب‌های اجتماعی و سیاسی فراهم می‌کند. همچنین، می‌توان به امکان فعالیت گروه‌های اپوزیسیون غیرقانونی و برانداز در مناطق پرتراکم به دلیل ضعف دستگاه‌های کنترل و شیوع نارضایتی شهروندان اشاره کرد (کوشکی، ۱۳۷۸، ص ۲۹۰-۲۸۸). تهدیدات زیست‌محیطی و تخریب شدید محیط که در آینده نزدیک سبب بحران‌های بزرگ و مهاجرت‌های اجباری یا انتقال منابع از مناطق دیگر کشور می‌شود که بحران‌های دیگری را به دنبال خواهد داشت. در مقابل ناامنی‌های ناشی از تراکم شدید جمعیت، در ایران برخی مناطق به دلیل کم‌بودن جمعیت و حتی نبود جمعیت دچار بحران ناامنی شده‌اند. برخی از جزایر ایرانی خلیج فارس که کشورهای حوزه

خلیج فارس آن‌ها را تهدید می‌کنند، بدون سکنه هستند. جمعیت در نوار ساحل جنوبی ایران، برخلاف پتانسیل‌های زیاد، بسیار کم است. سواحل جنوبی ایران، قلب جهان است. این سواحل به همراه حوزه انرژیک اطراف خود، ارزشمندترین منطقه جهان را تشکیل می‌دهند. همچنین، با توجه به اقلیم متفاوت آن نسبت به کشورهای توسعه‌یافته و سواحل منحصربه‌فرد و جزایر خاص، پتانسیل بالایی برای گردشگری بین‌المللی و در نتیجه، جذب جمعیت برای این منطقه دارد. برخلاف این امتیازات، جمعیت این مناطق بسیار کم است. به علاوه، ایران تمایل به افزایش جمعیت خود در سواحل جنوب و تغییر ترکیب جمعیت سواحل خلیج فارس به نفع فارسی‌زبان‌ها دارد. در حالی که تاکنون هیچ سیاستی در این زمینه تدوین نشده است. طی سال‌های گذشته تغییر نام خلیج فارس و نیز ادعاهای سرزمینی اعراب بر مناطقی مانند خوزستان و برخی جزایر ایجاب می‌کند این مناطق از نظر امنیتی و نیز پتانسیل‌های بالای خود، مقصد اصلی سیاست‌های تغییرات جمعیتی، در ابعاد افزایش جمعیت و سیاست‌های تشویق‌کننده آن، و انتقال و مهاجرت سرریز جمعیتی مناطقی مانند تهران به این مناطق باشد. خوزستان، بوشهر، هرمزگان و نوار ساحلی سیستان و بلوچستان جزء مناطقی‌اند که باید مهمترین مقاصد سیاست‌های افزایش و انتقال جمعیت در نظر گرفته شوند. برخلاف تصور موجود، که جمعیت را کمتر به مناطق با سطح امنیت پایین سوق می‌دهد، جمعیت می‌تواند عنصری در تقویت امنیت مناطق باشد. جمعیت زیاد باعث الزام دولت به ایجاد زیرساخت‌ها و خدمات گسترده می‌شود و نهادهای حکومتی را در آن منطقه تقویت می‌کند و شبکه اجتماعی و ملی قوی ایجاد می‌کند که در افزایش امنیت نقشی محور را ایفا می‌کند.

نتیجه‌گیری

پس از بررسی شاخص‌های آمایش سرزمین و براساس جدول ۱۲، استان‌های تهران، آذربایجان شرقی، خراسان رضوی، اصفهان، فارس، مرکزی، خوزستان، مازندران در رتبه اول شاخص‌های توسعه برای افزایش جمعیت جای گرفتند، و استان‌های آذربایجان غربی، اردبیل، زنجان، قم، کردستان، کرمانشاه، گلستان، همدان و گیلان در رتبه دوم و استان‌های دیگر از جمله ایلام، بوشهر،

چهارمحال و بختیاری، خراسان شمالی، خراسان جنوبی، سیستان و بلوچستان، سمنان، قزوین، کهگیلویه و بویراحمد، لرستان، هرمزگان و یزد در رتبه سوم قرار گرفتند. البته این طبقه‌بندی بدون توجه به شاخص‌های ارتباطات، تجارت و گردشگری خارجی و نیز شاخص امنیتی بوده است. دو شاخص اخیر در دنیای امروز شاید از هر شاخص دیگری اهمیت بالاتری داشته باشند. این شاخص‌ها در کنار شاخص آب، به عنوان سه شاخص برتر در نظر گرفته می‌شوند. براساس جدول ۱۲، استان تهران در جمع استان‌های اول قرار گرفته است و استان‌های سیستان و بلوچستان، هرمزگان و بوشهر در جمع استان‌های رتبه سوم قرار گرفته‌اند. در حالی که در جمع، بین کل شاخص‌ها، استان‌های سواحل جنوبی از نظر امنیتی، ارتباطات، تجارت و گردشگری در اولویت اصلی برای سیاست‌های تغییرات جمعیتی، از جمله افزایش جمعیت و مهاجرپذیری قرار دارند. در برخی استان‌ها سیاست مهاجرپذیری بر سیاست افزایش جمعیت بومی اولویت داشته باشد و در برخی مناطق بالعکس. همچنین استان تهران نیز به دلیل قرار گرفتن در آستانه بحران، تنها استانی است که باید در سیاست ممنوعیت افزایش جمعیت و مهاجرپذیری قرار گیرد و با سیاست‌های جامع تشویقی دولت، بخشی از جمعیت سرریز آن نیز به مناطق هدف در سیاست تغییرات جمعیت منتقل شود. استان‌هایی مانند آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، کردستان، کرمانشاه، ایلام نیز به دلیل مرزی بودن و نیز وجود پتانسیل‌های بالا برای تجارت و ارتباطات و گردشگری باید در اولویت سیاست تغییرات جمعیتی (افزایش یا مهاجرپذیری) قرار گیرند. استان‌های دیگر نیز براساس جدول ۱۲ در برنامه افزایش جمعیت قرار گیرند. از این بررسی‌ها نتیجه می‌شود توجه به آمایش سرزمین و توان‌ها و اقتضانات محیطی و اکولوژیکی فضای سرزمینی در بحث سیاست‌های تغییرات جمعیتی (افزایش یا مهاجرت) و اعمال آن ضرورت ویژه‌ای دارد. در صورت توجه به اقتضانات فضای سرزمینی ملی به عنوان ژنوم‌هایی که بسترساز چالش‌ها و فرصت‌های ژئوپلیتیکی‌اند، می‌توان به برنامه‌ریزی درست و منطبق بر منطق جغرافیایی دست یافت و در صورت افزایش یا انتقال جمعیت غیرسازگار با توان سرزمینی، در آینده با بحران‌های ژئوپلیتیکی مواجه خواهیم شد که توسعه و امنیت پایدار کشور را با تهدید مواجه می‌کند.

منابع و مأخذ

۱. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵). *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*. مشهد، انتشارات پاپلی.
۲. خلیلی، محسن (۱۳۹۰). *بن‌مایه دگرگون‌شونده ژنوم ژئوپلیتیک در خاورمیانه عربی*. مجموعه مقالات همایش اسلام و تحولات خاورمیانه، تهران: انجمن ژئوپلیتیک ایران، صفحات ۹۴-۱۱۲.
۳. خلیلی، محسن؛ صیادی، هادی؛ حیدری، جهانگیر (۱۳۹۱). «پوند کد و ژنوم ژئوپلیتیک در سیاست خارجی، نمونه پژوهی: ایران و ترکی، فصل‌نامه مطالعات اوراسیای مرکزی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، سال پنجم، شماره ۱۱، پاییز و زمستان، صفحات ۳۹-۵۶.
۴. رشیدی، مصطفی؛ یحیی‌پور، محمدصادق؛ نصیری، محمد (۱۳۹۲). *تحلیل ژئوپلیتیکی جایگاه محور مقاومت و جمهوری اسلامی ایران در مرحله انتقال قدرت جهانی از غرب به شرق*. اولین همایش ملی ژئوپلیتیک جنوب غرب آسیا، انجمن ژئوپلیتیک ایران، دانشگاه پیام نور طالقان.
۵. رهنما، محمدرحیم؛ آقاجانی، حسین (۱۳۹۰). *مطالعات آمایش استان خراسان رضوی*. انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد، مشهد.
۶. سازمان هواشناسی کشور، سالنامه آب و هواشناسی، تهران.
۷. سرور، رحیم (۱۳۸۴). *جغرافیای کاربردی و آمایش سرزمین*. تهران، انتشارات سمت.
۸. شستلند، کلود؛ شنه، کلود (۱۳۷۸). *جمعیت جهانی، چالش‌ها و مسائل*. ترجمه سیدمحمد سیدمیرزایی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۹. کوشکی، محمدصادق (۱۳۷۸). «تراکم جمعیت و امنیت داخلی ایران». سخنرانی علمی، *فصل‌نامه مطالعات راهبردی*، تهران، شماره‌های پنجم و ششم، پاییز و زمستان، صفحات ۲۹۱-۲۸۷.
۱۰. محمودی، محمدجواد (۱۳۸۹). «تحولات جمعیتی، چالش‌های پیش‌رو و لزوم تجدید نظر در سیاست‌های جمعیتی ایران». *فصل‌نامه علمی-تخصصی برداشت دوم*، ویژه مناسبات و

- سیاست‌گذاری جمعیت در ایران، مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق، تهران، شماره ۱۱، تابستان و پاییز، صفحات ۷۳-۴۱.
۱۱. مرکز آمار ایران (۱۳۸۵). *سالنامه آماری کشور*. تهران.
۱۲. مرکز آمار ایران (۱۳۸۵). *نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن کشور*. تهران.
۱۳. مرکز آمار ایران (۱۳۹۰). *سالنامه آماری کشور*. تهران.
۱۴. مهاجر، مسعود (۱۳۸۸). «توسعه دریامحور؛ جایگاه سواحل و بنادر ایران». *ماهنامه صنعت حمل و نقل*، شماره ۲۸۶، دوشنبه ۱۵ تیر، صفحات ۸-۴.
15. BP Statistical Review of World Energy/ June 2011/bp.com/ statistical review.
16. Umbach, Frank (2000). "Global Energy Supply and Geopolitical Challenges", *The Geopolitics of Energy*, Vol 1.
17. Umbach, Frank (2005). *Global Energy Supply and Geopolitical Challenges*, Fritz Thyssen Foundation (DGAP), Berlin.
18. Weitz, Richard (2007). *Kazakhstan and the New International Politics of Eurasia*. Central Asia: Kazakh, Russian Leaders Discuss Transport Corridor, Radio Free Europe/Radio Liberty. in:http://www.rferl.org/featuresarticle/2007/10/4482_ab_28-5ab9-4756-8386-48471d684d3f.html.